



سخنرانی موضوعی - در جمع طلاب مدرسه علمیه عالی نواب مشهد

حضرت آیت الله العظمی جوادى آملی دامت برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ سَيِّمًا خَائِمِهِمْ وَ أَفْضَلِهِمْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ أَهْلَ بَيْتِهِ الْأَطْيَبِينَ الْأَتْجَبِينَ سَيِّمًا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْعَالَمِينَ بِهِمْ تَتَوَلَّى وَ مِنْ أَعْدَائِهِمْ تَتَبَرَّأُ إِلَى اللَّهِ».

مقدم شما آیات، حجج، اساتید بزرگ و بزرگوار حوزه مشهد و طلاب فاضل و عزیز و گرانقدر را گرامی می‌داریم، ایام سوگ و ماتم ولی نعمتمان را به پیشگاه ولی عصر تغزیت عرض می‌کنیم و از ذات اقدس الهی مسئلت می‌کنیم حوزه پُر برکت مشهد همانند سایر حوزه‌های جهان تشییع همچنان بالنده باشد!

اما آنچه می‌توان در محضر شما فضلا و طلاب و علمای بزرگ و بزرگوار مشهد عرض کرد آن است که وقتی دین طلوع کرد، اولین بیان آن این بود: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ»<sup>۱</sup> جاهلیت يك وقت به تمدن و عقلانیت منتقل می‌شود که عنصر محوری آن جامعه علم باشد. علم متعارف کافی نیست، حضرت فرمود «طلب العلم واجب»، فرمود «فريضة»، فرمود: «فريضة»؛ آن مبتدا مذكر این خبر که مؤنث نیست، این «تاء»، «فريضة» «تاء» مبالغه است؛ مثل «تاء»، «علامة»؛ یعنی یاد گرفتن آن قدر واجب است که رسول خدا فرمود: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ»؛ این اصل اول.

آن علمی که فریضه است نه فریض، خیلی واجب است نه واجب، علامه وجوب است، متن را قرآن کریم مشخص کرد که «يَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»<sup>۱</sup>؛ این دو عنصر. این نیازمند به شرح است که این حکمت و کتاب چیست؟ در عنصر سوم طبق نقل مرحوم کلینی هم از ذات مقدس رسول هم از امام (سلام الله علیهما) فرمودند:<sup>۲</sup>

«إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ»، گرچه هر علمی که برای بهزیستی بشر لازم است واجب عینی یا کفایی است؛ اما مهم ترین علم که حضرت از آن با «إِنَّمَا» یاد کرده این است، فرمود: «إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ آيَةٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ»<sup>۳</sup>، مشکل حوزه های ما این است که ما گفتیم آیه محکمه فقه و اصول، فریضه عادلّه فقه و اصول، سنت قائمه فقه و اصول؛ در حالی که حضرت فرمود: «إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ»: اول آیه محکمه است که مربوط به خداشناسی، وحی شناسی، نبوت شناسی، ولایت شناسی، امامت شناسی، معادشناسی، انسان شناسی، جهان شناسی اینها آیه محکمه است. فریضه عادلّه و سنت قائمه آن ناظر به فقه و اخلاق و حقوق است. اگر دین گفت: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ» گفتند چه چیزی بخوانید «إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ».

عنصر چهارم این است که اگر يك حوزه ای نباشد، مدرسه ای نباشد، پایگاه فکری جامعی نباشد، مردان بزرگ بر نمی خیزند. وجود مبارك امام صادق (سلام الله علیه) فرمود حکومت الآن نسبت به اسلام و مسلمین بی مهری می کند. درست است که امام صادق (سلام الله علیه) شاگردان زیاد تربیت کرد؛ اما بدون مدرسه و بدون مدرّس. سوالات دو نفر، سه نفر، چهار نفر، پنج نفر، چنین حوزه خاص داشتند، نه حوزه پُر برکتی که مدرسه داشته باشد.

حضرت فرمود: «يَا لَيْتَ هَذِهِ الطَّائِفَةُ إِذْنًا لِي فَأَتَّخِذُ فِي الطَّائِفِ قَصْرًا فَسَكُنْتُ وَأَسْكُنْتُكُمْ مَعِيَ»<sup>۴</sup> فرمود مدینه يك

۱. سوره بقره، آیه ۱۲۹؛ سوره آل عمران، آیه ۱۶۴؛ سوره جمعه، آیه ۲.

۲. وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۴۳.

۳. الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۱، ص ۳۲.

۴. رجال الکشی - إختیار معرفة الرجال، ص ۳۶۵.

منطقه گرمی است نمی تواند حوزه دوازده ماهه داشته باشد؛ من دو خواسته دارم: یکی اینکه يك حوزه علمیه داشته باشم، مدرسه ای داشته باشم؛ یکی اینکه در جایی خوش آب و هوا باشد که بتوانم حوزه دوازده ماهه داشته باشم و آن در حجاز، طائف بود حضرت فرمود: «يَا لَيْتَ هَذِهِ الطَّائِفَةُ اِذْنًا لِي فَاتَّخِذُ فِي الطَّائِفِ قَصْرًا فَسَكَنْتُ وَ اَسْكَنْتُكُمْ مَعِيَ»؛ ای کاش به من اجازه می دادند من در طائف که يك منطقه خوش آب و هواست يك مدرسه ای می ساختم، چندتا حجره می ساختم، در یکی از آن حجره ها خودم سکونت می کردم «فَسَكَنْتُ وَ اَسْكَنْتُكُمْ مَعِيَ» و این معارف را پیاده می کردم! که حوزه پُر برکت مشهد می تواند طائف ایران باشد. گذشته از آن جوار ملکوتی، فضای او، زمان او، زمین او، موقعیت جغرافیایی او، برکات او، این می تواند حوزه دوازده ماهه داشته باشد بدون تعطیل، «يَا لَيْتَ هَذِهِ الطَّائِفَةُ اِذْنًا لِي فَاتَّخِذُ فِي الطَّائِفِ قَصْرًا فَسَكَنْتُ وَ اَسْكَنْتُكُمْ مَعِيَ» پس این هم يك عنصر بعدی.

حالا که معلوم شد «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ» فریضه است و نه واجب و اگر معلوم است محور علم تعلیم کتاب و حکمت است و اگر کتاب و حکمت با آن تثلیث تفسیر شده است که: «إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ آيَةٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ» و مانند آن، يك مدرسه لازم است، يك حوزه لازم است، اساتید بیایند، مدیران حوزه بیایند، بزرگان حوزه بیایند، اهل تصنیف و تألیف بیایند و این کتاب و سنت را زنده نگه دارند. وظیفه اصلی ما و رسالت اصلی ما آن «لِيُظْهَرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»<sup>۱</sup> است. اینکه در قرآن ذات اقدس الهی فرمود من قرآن را نازل نکردم تا کتاب برای يك ملت و مملکت باشد. این کتاب حقوق بشر است. کتاب، کتاب جهانی است. در دیداری که با بزرگان حوزه داشتیم به عرضشان رسید که این «لِيُظْهَرَهُ» که «وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»<sup>۲</sup> «وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا»<sup>۱</sup> در سه جای قرآن

۱. سوره توبه، آیه ۳۳؛ سوره فتح، آیه ۲۸؛ سوره صف، آیه ۹.

۲. سوره توبه، آیه ۳۳؛ سوره صف، آیه ۹.

آمده، این وظیفه همه ما را معین می‌کند. ما نمی‌توانیم ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ را بخوانیم و جهانی حرف بزیم و خراسانی فکر کنیم یا ایرانی فکر کنیم. این ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾؛ یعنی این مکتب توانمند است که بر همه مکاتب جهان پیروز و ظفرمند می‌شود، این شدنی است، این به دست شماست.

و اگر وجود مبارك رسول گرامی (علیه و علی آله آلاف التحيّة و الثناء) فرمود: «الْإِسْلَامُ يَعْلُو وَلَا يُعْلَى عَلَيْهِ».<sup>۲</sup> بارها به عرضتان رسید که این جمله خبریه‌ای است که به داعی انشاء القا شده؛ یعنی بر همه شما لازم است که این پرچم را بردارید جهانی حرف بزید و جهانی فکر کنید. تا مکاتب جهان را شناسید که نمی‌توانید اظهار نظر کنید آن می‌شود آیه محکم، آنچه درباره خدا و قیامت و وحی و نبوت است، می‌شود آیه محکم، این نه به يك زمین اختصاص دارد تا بشود مترمّن، نه به يك زمان اختصاص دارد که زمانی باشد نه متمكّن است نه مترمّن. پس این ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ وظیفه ماست، هدف ماست باید به آن سمت حرکت کنیم و این شدنی است. وقتی مدرسه درست شد، مدیر درست شد، مدرّس درست شد؛ آن‌گاه علوم هم مشخص شد که «إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ».

اما معلّمان ما چه کسانی هستند؟ مدیران ما چه کسانی هستند؟ مربیان ما چه کسانی هستند؟ چه گروهی ما را در این هدف والا یاری می‌کنند؟ از کلینی تا صاحب معالم،<sup>۳</sup> از صاحب معالم تا کلینی همه این حدیث را نقل کردند که «إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُ أَجْنِحَتَهَا لِطَالِبِ الْعِلْمِ»؛<sup>۴</sup> یعنی فراش مدرسه فرشتگان هستند. اگر تأیید از پایین با فراشی فرشته‌ها تأمین می‌شود و اگر تأیید از بالا با ﴿يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ تأمین می‌شود، اگر این دو نبش تأمین شده است، مهلت برای چیست؟ معطلی برای چیست؟ اینکه حضرت فرمود فرشتگان فراشان مدرسه‌اند این

۱. سوره فتح، آیه ۲۸.

۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۳۴.

۳. معالم الدين، ص ۱۱.

۴. الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص ۳۴.

یعنی چه؟ کدام پَر را فرشته پهن می‌کند زیر پای طالبان علوم؟ «إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُ أجنحتها لِطالِبِ الْعِلْمِ». مستحضرید که فرشته پَر دارد اولاً؛ پرواز می‌کند ثانیاً؛ هدفمند پَر می‌کشد ثالثاً. این فرشته‌ها که فراشی کردند سه پیام نسبت به ما دارند: اول به ما می‌گویند «أَيُّهَا الطالِب!»! پَر در بیاور من پَر پهن کردم، من معلّم پَر در آوردم، ثانیاً به ما می‌گوید حالا که عالم شدید، پَر در آوردی، پرواز کن. خدا غریق رحمت کند مرحوم شیخ مفید را! ایشان در کتاب شریف /مالی این حدیث نورانی را نقل می‌کند، گرچه در جوامع دیگر هم هست.<sup>۱</sup> فرمود: «مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَلَنْ يَلْجَ مَلَكُوتَ السَّمَاءِ حَتَّى يُتِمَّ قَوْلُهُ بِعَمَلٍ صَالِحٍ»<sup>۲</sup> یعنی علم برای آن است که انسان ملکوتی بشود، ولوج و ورود ملکوت میسر طالبان علوم است. فرمود وقتی عالم شدید به علمتان عمل کنید که دروازه ملکوت به چهره شما باز بشود. این حدیث نورانی را مرحوم مفید در /مالی از کجا گرفته؟ از خود قرآن. ذات اقدس الهی فرمود من دوتا کار کردم: یکی نظر، یکی رؤیت؛ رؤیت را به خلیل دادم، نظر را به شما. به خلیل گفتم ببین، به شما می‌گویم بنگرید تا ببینید، به خلیل گفتم: ﴿وَكَذَلِكَ تُرَى﴾؛ این فعل مضارع مفید استمرار، من دائماً ملکوت عالم را به خلیل نشان می‌دهم: ﴿وَكَذَلِكَ تُرَى إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾؛<sup>۳</sup> این در سوره «انعام» است. به ما که فرزندان خلیل حقیق، در بخش پایانی سوره «حج» فرمود شما به یاد پدران باشید شما شناسنامه دارید فرزند خلیل حق هستید: ﴿مَلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ﴾<sup>۴</sup> شما شناسنامه دارید، فرزند خلیل حقیق، او پدر شماست، راه پدران را بروید. او ملکوت را دید، شما نگاه کنید که شاید ببینید ﴿وَكَذَلِكَ تُرَى إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾؛ این در سوره «انعام» مربوط به رؤیت. در سوره «اعراف» برای ماست، فرمود: ﴿أَوَلَمْ

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۶، ص ۴۰۲.

۲. الامالی (للمفید)، ص ۱۸۴.

۳. سوره انعام، آیه ۷۵.

۴. سوره حج، آیه ۷۸.

يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ<sup>۱</sup> شما چرا ملکوت را نمی‌خواهید ببینید؟ مستحضرید ما در فارسی بین

نگاه و دیدن فرق می‌گذاریم، در عربی بین نظر و رؤیت فرق است؛ هر نگاه به دیدن نمی‌رسد، هر نظر به رؤیت ختم

نمی‌شود؛ ولی گاهی نگاه به دیدن می‌رسد، گاهی نظر به رؤیت منتهی می‌شود و اگر منتهی نمی‌شد که در سوره

«اعراف» به ما نمی‌فرمود نگاه کنید، فرمود: ﴿أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ﴾.

این ملائکه آمدند پرها را پهن کردند سه پیام دارد: اولاً اینکه ما پر داریم فراشان شما، شما الا و لابد باید پر

در بیاورید؛ ثانیاً ما از این پر بهره می‌بریم، پرواز می‌کنیم الا و لابد شما باید اهل پرواز باشید؛ ثالثاً که مهم‌ترین نقطه

حساس ارزیابی حوزه‌هاست این است، ما پر می‌کشیم از جهت بیرون می‌رویم، مرغ‌های دنیا که پر دارند به طمع

تالاب در جهت حرکت می‌کنند. آنها یا از غرب به شرق یا از شرق به غرب یا از شمال به جنوب یا از جنوب به

شمال به طمع تالاب می‌روند، در جهت حرکت می‌کنند، افقی حرکت می‌کنند، ما عمودی حرکت می‌کنیم، از زمین و

آسمان بالا می‌رویم که شما را به آسمانی و ملکوت نزدیک کنیم که همان بیان نورانی حضرت است که مرحوم مفید در

امالی نقل کرد، «مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَلَنْ يَلْجَ مَلَكُوتَ السَّمَاءِ حَتَّى يُتِمَّ قَوْلُهُ بِعَمَلٍ صَالِحٍ». اگر حوزه‌ها چنین شد

قدر فراشان را دانست، همین فراشان که از مقدمات کار ما شروع می‌کنند به تأیید، از بالا فیض را می‌گیرند به ما

می‌رسانند.

مستحضرید که ذات اقدس الهی نسبت به عموم مؤمنان مخصوصاً شما بزرگواران و علما و فضلا، برادران و

خواهران چه گفته است. در سوره «احزاب» آن تسلیم و تصلیه که معهود است، اما نسبت به شما چه فرمود؟

فرمود: ﴿هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَ مَلَائِكَتُهُ يُخْرِجُكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾.<sup>۲</sup> يك وقتی مرحوم بحر العلوم شرح

۱. سوره اعراف، آیه ۱۸۵.

۲. سوره احزاب، آیه ۴۳.

کیفیت تدریس خواجه طوسی (رضوان الله تعالی علیهما) را نقل کرد در همان کتاب تفسیرش، بحر العلوم می گوید وقتی خواجه طوسی نام سید مرتضی را در جلسه درس می برد، می گفت: «قال السيد المرتضى صلوات الله عليه»؛ شاگردها تعجب می کردند که شما چطور بر سید مرتضی صلوات می فرستید؟ فرمود تعجب نکنید وقتی خدا صلوات می فرستد، من چرا صلوات نفرستم. مگر در سوره «احزاب» خدا نسبت به علما و مؤمنان صالح فرمود: ﴿هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾، «كيف لا يصلي على المرتضى».<sup>۱</sup> چرا ما نباشیم، آن که برای امام است که در دسترس احدی نیست هم در بیان نورانی پیغمبر است،<sup>۲</sup> هم در بیان نورانی حضرت علی (سلام الله علیهما)،<sup>۳</sup> منتها یکی با اسم ظاهر دیگری با ضمیر فرمود: «نَحْنُ أَهْلُ بَيْتٍ لَا يُقَاسُ بِنَا أَحَدٌ»؛ کسی که به آن مقام طمع ندارد؛ اما آن که در حوزه امکان است که شیعیان آنها می توانند به جایی برسند، می توانند به جایی برسند که خدا بر آنها صلوات بفرستد و ملائکه هم بر آنها صلوات بفرستند. این ملکی که امروز فراشی می کند، فردا اهل تصلیه است: ﴿هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ چرا ما نباشیم؟ اینکه مخصوص آنها نیست، آن که مخصوص آنهاست احدی طمع ندارد، مقدور کسی نیست «نَحْنُ أَهْلُ بَيْتٍ لَا يُقَاسُ بِنَا أَحَدٌ»؛ این «أحد» که نکره در سیاق نفی است ظاهراً شامل فرشته ها هم می شود که فرشته ها را هم نمی شود با این ذوات قدسی مقایسه کرد؛ اما اینکه مقدور ما هست چرا نباشیم؟ از پایین تا بالا، از بالا تا پایین این فرشته ها در صدد تأیید مایند که ما پر در بیاوریم و از طبیعت پرواز کنیم بشود «قربة إلى الله».

۱. فوائد الرجاليه (للبحر العلوم)، ج ۳، ص ۸۸

۲. بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۶۵، ص ۴۵؛ «نَحْنُ أَهْلُ بَيْتٍ لَا يُقَاسُ بِنَا أَحَدٌ».

۳. نهج البلاغة (للصبي صالح)، خطبه ۲، ص ۴۷.

مستحضرید که تمام تلاش و کوشش این فرشته‌ها این است: ﴿بِأَيْدِي سَفَرَةٍ \* كِرَامٍ بَرَرَةٍ﴾<sup>۱</sup> با دست فرشته‌ها درس کرامت به ما می‌دهند. مستحضرید عالم شدن، فقیه شدن، مجتهد شدن، مرجع شدن اینها کارهای دنیایی است، اما به اوصاف الهی متّصف شدن؛ گفت «آن کس که می‌یافت نشود آنم آرزوست»<sup>۲</sup>. اگر کرامت است انسان همتای فرشته‌ها می‌شود: ﴿بِأَيْدِي سَفَرَةٍ \* كِرَامٍ بَرَرَةٍ﴾. خود خدای سبحان اولین درسی که به جوامع بشری می‌دهد درس کرامت است. کرامت وصف فرشته‌هاست و همین وصف که در سوره مبارکه «انبیاء» برای فرشته‌ها ذکر شد: ﴿بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ \* لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ﴾<sup>۳</sup> همین بیان نورانی خدا در سوره «انبیاء» برای ملائکه در بیان نورانی ولی خدا، امام هادی در «زیارت جامعه» برای اهل بیت آمده که ائمه (علیهم السلام) «عِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ»<sup>۴</sup>؛ این وصف برای آنهاست. ما که شاگردان آنهایم چرا درس کرامت نگیریم؟ اولین معلم ما خداست، اولین مدرّس و مدرسه ما در سوره «علق» است. مستحضرید این جزء عتایق سور است؛ یعنی جزو سوره‌هایی است که در آغاز رسالت نازل شده. آن روز هنوز سخن از مسجد و حسینیه و مانند آن نبود. در آن روز خدا وقتی وحی نازل کرد، فرمود خدا معلّم شماست، می‌دانید خدا کیست؟ خدای اکرم دارد تدریس می‌کند: ﴿اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ \* الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾<sup>۵</sup> اگر بگویند در فلان مدرّس فقیه دارد تدریس می‌کند؛ یعنی دارد درس فقه می‌دهد، در فلان کلاس ادیب دارد تدریس می‌کند؛ یعنی درس ادبیات می‌دهد، اگر گفتند در فلان کرسی اکرم دارد تدریس می‌کند؛ یعنی درس کرامت می‌دهد: ﴿اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ \* الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾ خدای اکرم معلّم ماست؛ چرا قلم ما قلم کرامت نباشد؟ چرا مسطورات ما و مکتوبات ما چیزی نباشد که خدا به آن

۱. سوره، آیات ۱۵ و ۱۶.

۲. مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۴۴۱؛ «گفتند یافت می‌نشود جسته‌ایم ما \*\*\* گفت آنک یافت می‌نشود آنم آرزوست».

۳. سوره انبیاء، آیات ۲۶ و ۲۷.

۴. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۰.

۵. سوره علق، آیات ۳ و ۴.



سوگند یاد کند. خدا به قلم، به کتاب سوگند یاد کرد، به مسطورات و مکتوبات سوگند یاد کرد چرا ما نباشیم؟ شدنی است، در بین شما مردانی برخاستند که چنین بودند چرا ما جزء اینها نباشیم؟ پس آن که فراش ماست پیامش این است که پَر در بیاور اولاً؛ پرواز کردن یاد بگیر ثانیاً؛ از جهت پرواز کن نه در جهت ثالثاً. از آن طرف هم: ﴿بِأَيِّدِي سَفَرَةٍ \* كِرَامٍ بَرَرَةٍ﴾؛ از آن طرف هم ذات اقدس الهی که معلم اصلی ماست با وصف «اکرم» ظاهر شده است که به ما درس کرامت بدهد و این شدنی است و مقدور است.

بنابراین ما حتماً موظفیم جهانی فکر کنیم و جهانی حرف بزنیم، منتها سیر از همین جاها شروع می‌شود. تا مکتب‌های گوناگون جهان را شناسیم تا حق و باطل آنها را ارزیابی نکنیم، مقدور ما نیست که ﴿لِيُظْهَرُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ را پیاده کنیم. در این مسیر باید حرکت کنیم به هر جا رسیدیم توفیق ماست، به هر اندازه که نرسیدیم دیگری طی می‌کند؛ ولی باید به جایی برسیم که بشود: ﴿لِيُظْهَرُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾. در سوره مبارکه «مدثر» هم دو جا فرمود این قرآن: ﴿نَذِيرًا لِلْبَشَرِ﴾،<sup>۱</sup> ﴿ذِكْرًا لِلْبَشَرِ﴾<sup>۲</sup> حقوق بشر است، اختصاصی به يك ملت و نحله ندارد.

حوزه پُر برکت خراسان سوابق درخشان فراوانی دارد؛ منتها يك مدیریت کامل می‌طلبید که نهال‌فروشی را جداً منع کند. مستحضرید هر کشاورزی اول به فکر بذر است بعد به فکر اقتصاد. يك کشاورز اول بعد از اینکه این گندم‌ها را تسویه کردند، مقداری گندم به انبار می‌برد برای سال بعد، می‌گوید این زمین باید محصول بدهد - چه من باشم چه نباشم - اولین کار مدیر و مسئول حوزه‌ها، تأمین مدرّسان والامقام سال‌های بعد است. نهال‌فروشی جزء بدترین و بدخیم‌ترین بیماری‌های ماست. اگر يك طلبه‌ای فاضل است، استعداد دارد، او می‌تواند مسیر شیخ طوسی را طی کند، مسیر خواجه نصیر را طی کند، مسیر علامه حلّی را طی کند، شیخ انصاری را طی کند، او حیف است

۱. سوره مدثر، آیه ۳۶.

۲. سوره مدثر، آیه ۳۱.

که سِمَت‌های دیگر را بپذیرد! او باید شاگردانی تربیت کند که سِمَت‌های دیگر را بپذیرند. اگر کسی استعداد راقی داشت که دارند، اگر فضل و فیض الهی بهره کسی شد که می‌شود و هست، اولین وظیفه و رسالت حوزه این است که نهال‌فروشی نکند، این را بگذارند بالنده بشود، این باید تأمین بشود بعد نیاز ما و ضرورت‌های دیگر باید پرداخته شود، به جامعه ما، به نظام ما، به انقلاب ما، هر کسی کاری از دست او برمی‌آید واجب است تأیید کند و حساب کند. همین بحر العلوم (رضوان الله تعالی علیه) نقل می‌کند، اگر شما می‌بینید حوزه پُر برکت نجف به جایی رسید که اگر - معاذ الله - خروجی نجف را از ما بگیرند تمام حوزه‌های علمیه شیعه در سراسر عالم تعطیل می‌شود؛ اینها به برکت نجف است. اگر خروجی نجف را از حوزه‌های علمیه بگیرند؛ کتب اربعه هست که برای خروجی نجف است، نوشته‌های مبسوط و تهذیب و استبصار بعد از آن کتب اربعه، تهذیب شیخ طوسی، مبسوط شیخ طوسی اینها که خروجی نجف است، بعد از آنها عصر محقق است، شرایع است و امثال شرایع خروجی نجف است، شروح یا تعلیقات بر شرایع مثل مدارك و مسالك و اینهاست اینها خروجی نجف است. نوشته‌های مرحوم علامه که شاگردانی متناوماً متن قواعد علامه را تبیین کردند خروجی نجف است. مستحضرید قواعد مرحوم علامه را هم پسرش فخرالمحققین شرح کرد، هم محقق ثانی به عنوان جامع المقاصد، هیچ کدام از شرح اینها کامل نیست، بخش عبادات را فخرالمحققین خوب شرح کرد، بخش معاملات را محقق ثانی جامع المقاصد شرح کرد. اینکه در مکاسب مرحوم شیخ از جامع المقاصد زیاد نقل می‌کند برای اینکه جامع المقاصد موفق‌تر شد از فخرالمحققین در شرح بخش معاملات قواعد، اینها همه برای نجف است تا بخش‌های اخیر مثل رسائل و مکاسب و کفایه که درس‌های اصلی و کتاب‌های اصلی ماست خروجی نجف است، اینها همه خروجی نجف است. اینها تنها به برکت حضرت امیر نیست، يك مدير لایق بفهم باید حوزه را اداره کند، وگرنه این ابی بن کعب را گفتند زعیم حوزه مدینه باش. مدینه با آن قداست با آن

شش معصوم الهی خروجی ندارد! درست است حضرت امیر بالای سر همه ماست؛ اما به هر حال رسول خدا، فاطمه زهرا آن چهار بزرگوار در بقیع، این شش معصوم الهی در مدینه هستند، چرا خروجی ندارد؟ يك سيد مرتضى<sup>۱</sup> می‌خواهد، يك مدير عاقل می‌خواهد، يك مدير عامل می‌خواهد، يك مدير مدبر می‌خواهد که حوزه را بگرداند هم طلاب باید بفهمند وظیفه‌شان چیست، نهال فروش نباشند هم او باید شناسایی بکند. مرحوم بحرالعلوم می‌گوید راز موفقیت حوزه علمیه نجف این است؛ سيد مرتضى<sup>۱</sup> و سيد رضی اینها نوه‌های دختری آن داعی کبیر بودند، مقداری مال به اینها ارث رسیده، سيد مرتضى در درجه اول مقداری زمین را وقف کرد برای طلاب که اینها کتاب بخرند، لوازم التحریر بخرند، کاغذ بخرند، دیگر وقف را زنده کرد نه موقوفات را، وقف را باید احیا کرد که ما بفهمیم چه چیزی وقف بکنیم، در چه راهی وقف بکنیم؟ نه آتش بده و شیر بده آن را به هر حال می‌دهند. قلم بده، کاغذ بده. سه‌تا برادر بودند: یکی نهاییه ابن اثیر نوشت، یکی تاریخ کامل ابن اثیر نوشت، یکی هم عقدالفرید؛ ایشان در عقدالفرید نقل می‌کند. اینکه می‌بینید بعضی از نجارها و غیر نجارها کاری که انجام دادند این مداد آن روز یا قلم امروز را پشت گوش می‌گذارند این از پیغمبر است. فرمود یکی از اینها آمدند در محضر حضرت کاری کردند قلم را خواستند بگذارند زمین، فرمود: «لا تضع علی الارض ضع علی اذنك»<sup>۱</sup> این قلم را زمین نگذار، کنار گوش خود بگذار! از آن به بعد وضع قلم «علی الاذن» رسم شده است؛ یعنی کنار گوش خودت باشد، چرا زمین می‌گذاری؟ این سيد مرتضى آمده وقف را احیا کرده، چون مدير لایق و باهوشی بود، تدریس می‌کرد، طلاب متعددی هم در محضر آن بزرگوار شرکت می‌کردند. مرحوم بحرالعلوم نقل می‌کند که سيد مرتضى دید این طلبه با دیگران فرق می‌کند این باهوش‌تر است، اشکالات خوب می‌کند، سؤالات خوب می‌کند، تلقی خوب می‌کند، آن

۱. منیه المرید، ص ۳۴۹: «رَوَى عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ لِبَعْضِ كُتَّابِهِ أَلْقِ الدُّوَاءَ وَحَرِّفِ الْقَلَمَ «۲» وَاصْبِ الْبَاءَ وَفَرِّقِ السَّيْنَ وَلَا تُعَوِّرِ الْيَمِينَ وَحَسِّنِ اللَّهُ وَمَدِّ الرَّحْمَنَ وَجَوِّدِ الرَّحِيمَ وَضَعْ قَلَمَكَ عَلَى أُذُنِكَ الْيُسْرَى فَإِنَّهُ أَذْكُرُ لَكَ».

یکی هم بد نیست مثل این نیست؛ ولی از دیگران بهتر است به این یکی ماهی دوازده دینار شهریه داد این شده

شیخ طوسی. شیخ طوسی قبلاً يك طلبه‌ای بود به نام آقا شیخ محمد حسن، این به هر حال یا این سمت را قبول می‌کرد یا آن سمت را، وقتی عائله‌مند می‌شد، نمی‌توانست عائله را اداره کند، دیگر از حوزه فاصله می‌گرفت. يك سید مرتضایی می‌خواهد که به شیخ طوسی بگوید باش، درس بخوان و دو کتاب از کتب اربعه را تو بنویس، آن یکی هم قاضی ابن برّاج شد. به آن یکی ماهی هشت دینار شهریه می‌داد به این یکی ماهی دوازده دینار.<sup>۲</sup> حوزه علمیه باید استعدادشناسی کند که چه کسی شیخ طوسی آینده است، چه کسی ابن برّاج آینده است، چه کسی سلار دیلمی آینده است، چه کسی صاحب جواهر آینده است؛ هرگز قطع نشده، این برای همیشه هست «إلى يوم القيامة». این کار مدیریت است چه در قم، چه در مشهد، چه در نجف، چه در حوزه‌های دیگر. کار سید مرتضی را کردن خروجی او مثل خروجی نجف خواهد بود، این استعدادها هست، اینها را باید رعایت کرد. از آن طرف فرشته‌ها بالاترین و برجسته‌ترین ادب را نسبت به شما طلاب عمل می‌کنند؛ چه چیزی بالاتر از صلوات است؟ همین صلوات را فرشتگان بر شما نازل می‌کنند. این ﴿عَلَيْكُمْ﴾ سوره مبارکه «احزاب» به چه کسی خطاب می‌کند؟ ﴿هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ﴾ آن تصلیه بعد در آیات بعد است ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ﴾ آن بعد است؛ اما این را به شما می‌گوید: ﴿هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ وقتی ما می‌توانیم مثل ملائکه بشویم چرا نشویم؟ ملائکه درجات فراوانی دارند، عده زیادی شاگردان آن ملائکه اولیه هستند. آن ﴿تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا﴾<sup>۳</sup> زیر مجموعه عزرائیل (سلام الله علیه) است. این ﴿بِأَيِّدِي سَفَرَةٍ \* كِرَامٍ بَرَرَةٍ﴾ زیر مجموعه جبرئیل (سلام الله علیه) است؛ مگر همه ملائکه در حدّ آن چهار ملك معروف‌اند، چرا ما نباشیم؟ وقتی راه باز است

۲. الفوائد الرجالية (للسيد بحر العلوم)، ج ۳، ص ۱۰۵.

۳. سوره أنعام، آیه ۶۱.

ملکوتی شدن باز است، به ما گفتند این کار را بکنید، معلوم می‌شود هست. در جمع شما - إن شاء الله - رجالی برمی‌خیزند که اولاً؛ ﴿يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا﴾ و ثانیاً ﴿فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾.<sup>۴</sup> کشوری که خون داده طیب و طاهر شده به برکت شما علما و فضلا و مؤلفان و پژوهشگران - إن شاء الله - زمینه‌ای فراهم می‌شود هم ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ عملی می‌شود هم آن منتظر نهایی که به وسیله او در حقیقت ﴿لِيُظْهِرَهُ﴾ جامه عمل می‌پوشد، محقق بشود و تحقق خارجی پیدا کند.

من بیش از این تسدیعتان ندهم از مدیر محترم، مسئول محترم، علمای بزرگوار، اساتید، مؤلفان، محققان و شما طلاب عزیز و محبوب ولی عصر از همه شما حق شناسی می‌کنیم. از ذات اقدس الهی مسئلت می‌کنیم به فرد فرد شما آنچه خیر و صلاح و فلاح دنیا و آخرت شما مرحمت کند! شما را عالم ربّانی کند، شما را وارد ملکوت ﴿مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ کند، شما را وارث انبیای الهی قرار بدهد، شما را جزء علمای ربّانی قرار بدهد که ﴿لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ﴾ از ذات اقدس الهی مسئلت می‌کنیم به فرد فرد شما سعادت دنیا و آخرت مرحمت کند.

پروردگارا امر فرج ولی خود را تسریع بفرما!

نظام ما، رهبر ما، مراجع ما، حوزه‌های علمیه ما، دانشگاه‌های ما، دولت و ملت و مملکت ما را در سایه ولی

خود حفظ بفرما!

روح مطهر امام راحل و شهدا را با اولیای الهی محشور بفرما!

مشکلات مملکت، اقتصاد مملکت، امنیت مملکت، حجاب و عفاف مملکت، امانت مملکت و امنیت مملکت را در

سایه ولی خود تأمین بفرما!

۴. سوره اعراف، آیه ۱۸۵.

هر خطری که هست به بیگانگان به استکبار جهانی و صهیونیسم برگردان!

این کشور اسلامی را تا ظهور آن حضرت از هر آسیب و گزند محفوط بدار!

این ملت منتظر را بیش از پیش موفق و مؤید بفرما!

«غفر الله لنا و لكم و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته»